

توحید

<?xml encoding="UTF-8?>

مقدمه واژه زیبای توحید در میان سایر واژگان و اصطلاحات فکری و اعتقادی، از جایگاه و موقعیت ویژه‌ای برخوردار است و در طول تاریخ بشریت، محور اصلی دعوت پیامبران الهی، به ویژه پیامبران ابراهیمی بود. آنان، نخستین و مهمترین گفتاری که با مردم عصر خود داشتند، توجه و آگاهی آن‌ها به پذیرش توحید و پرهیز از کفر و شرک بود و به آنان می‌گفتند: "قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، تَفْلِحُوا؛ بگویند جز خدای واحد، خدای دیگری نیست تا رستگار شوید".

معنای توحید توحید به معنای یگانگی خدا و اعتقاد به یگانه بودن اوست. به این معنا، که در مقام فکر و اندیشه، شریک و رقیبی در آفرینش جهان هستی و برقراری نظم و نظام آن، برای وی قابل نشویم و در مقام عمل، جز در برابر او، برای هیچ کس و هیچ چیزی سر تعظیم فرود نیاورده و آن را سجده و پرستش ننماییم.

توحید از منظر اسلام مجموعه تعلیمات اسلامی را می‌توان در سه بخش کلی، خلاصه کرد: اصول عقاید، اخلاقیات و احکام.

اصول عقاید اسلامی از دیدگاه شیعه، معروف به پنج اصل است: توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد. غیر از شیعه، سایر مذاهب و فرقه‌های اسلامی نیز به سه اصل از اصول عقاید، یعنی: توحید، نبوت و معاد معتقد بوده و با شیعیان اتفاق نظر دارند.

اصول عقاید، از جمله توحید، در مقام فکر و اندیشه قابل بررسی است.

به این معنا، که هرکس می‌تواند با تدبر و تعقل و اندیشیدن درباره آفریننده‌ی جهان هستی، پی به یگانگی خدا برده و اعتقاد به وحدانیت او پیدا کند. بدین جهت، تقلید و پیروی کردن از دیدگاه قرآن، بدون این که خود تلاش و کوشش فکری و عقلی نماید، کافی نیست و اساس و پایه‌ی استواری برای آن نخواهد بود و به هنگام مواجه شدن با شبهات و ایجاد تردید و دودلی بدخواهان و منکران، توان استقامت و ایستادگی نخواهد داشت.

اساس دعوت پیامبر اسلام پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) علاوه بر آن که عرب‌های مشرک و بت‌پرست جزیره‌العرب را، که متعصبانه در پرستش بت‌ها راه افراط را در پیش گرفته بودند، یهودیان و مسیحیان. سایر پیروان ادیان الهی را نیز که از اصول اولیه دین و مذهبشان عدول کرده و مرتکب شرک شده و برای خداوند متعال شریکی قرار می‌دادند، دعوت به توحید و پرهیز از شرک و کفر می‌نمود.

خداوند متعال، طی فرمانی به پیامبر اکرم (ص) وحی فرستاد: "قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ، إِلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً." (1)

یعنی : بگو، ای اهل کتاب (و پیروان کتاب‌های مقدس آسمانی) بیایید به جانب کلمه‌ای که میان ما و شما یکسان است (و بر آن اتفاق کنیم) به این که جز خدا، چیزی را نپرستیم و برای او شریکی قرار ندهیم. پیامبر اسلام (ص) به آنان یادآو می‌شد که پیامبران گذشته، همگی بر توحید و پرهیز از شرک و کفر تأکید داشته و در این راه، سختی‌های فراوان کشیده و چه بسا به دست منکران و معاندان کشته شدند و شما که ادعای پیروی آن پیامبران بزرگ را دارید، باید اهدافشان را برآورده کرده و راه توحید و ایمان را در پیش گیرید و از شرک دست برداشته و شریکی برای خداوند متعال قرار ندهید. ولیکن پیروان ادیان و مذاهب موجود جهان، هم چنان در اشتباه و انحراف خود باقی بوده و تلاشی بر تصحیح عقاید خود به عمل نیاوردند. تنها پیروان دین اسلام، یعنی مسلمانان واقعی به خاطر بهره‌مندی از قرآن کریم، که کتاب آسمانی رسول خدا (ص) و تماماً وحی و گفتار الهی است، از شرک و کفر به دور بوده و معتقد به توحید و یگانگی خدا بوده و هستند.

از منظر عقل سلیم بشری (که عاری از هوای نفس و دسیسه‌های شیطانی باشد) حکم می‌کند به این که تمام پدیده‌های جهان هستی، که دارای نظم و نظام خاص بوده و هر کدام از آن‌ها به وظیفه تکوینی خود عمل کرده و ذره‌ای سرپیچی و بی‌نظمی نمی‌نمایند، همگی از مبدایی واحد به وجود آمده و از همان مبدأ فرماندهی می‌گردند.

آن مبدأ واحد، چیزی جز خدای یکتا نیست، که ما اعتقاد به یگانگی وجود آن را داریم. اساساً محال و غیر ممکن است به جای خدای واحد، دو خدا و یا چند خدا وجود داشته باشد. چون در آن صورت لازم می‌آید که یک آفریننده بالاتری که جامع آن‌ها باشد، وجود داشته باشد. دوتایی و یا چندتایی بودن چیزی، از خواص موجودات محدود نسبی است و در میان مخلوقات و موجودات، ممکن و عملی است ولی درباره خدا که موجودی نامحدود، لایتناهی و مطلق است، تعدّد و چندتایی راه ندارد.

در قرآن مجید نیز به این برهان اشاره شده است : "لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ، لَفَسَدَتَا." (2)

یعنی : اگر در آسمان‌ها و زمین، غیر از خدا، خدایان دیگری بود، هر آینه آسمان‌ها و زمین تباه شده و از بین می‌رفتند.

به تعداد ذرات عالم دلیل بود بر وجود خدای جلیل

همه عالم از ذره و کهکشان دلالت کند بر خدای جهان

ز آب و ز خاک و ز نور و فضایی دلیل است بر هست یکتا خدای (3)

یگانگی خدا از منظر قرآن کریم قرآن مجید در آیات متعدد خود، صفات توحیدی خداوند متعال را به روشنی و صراحت تمام بیان کرده است. شایسته است در این‌جا به برخی از آن‌ها اشاره‌ای داشته باشیم :

1- خداوند متعال، یکتا و یگانه است : "قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ." (4)

2- از همه کس و از همه چیز بی‌نیاز است : "اللَّهُ الصَّمَدُ." (5)

3- کسی او را نزاییده و از او نیز کسی زاییده نشده است : "لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ." (6)

4- هم وزن و هم شأنی ندارد : "وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ." (7)

5- هم‌تا و همانندی ندارد : "لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ" (8)

- 6- همباز و شریکی ندارد : "لا شَرِیکَ لَهُ". (9)
- 7- به همه چیز آگاه و دانا است : "إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ". (10)
- 8- از آشکار و نهان همگان باخبر است : "إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَ يَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ". (11)
- 9- بر همه چیز قادر و تواناست : "إِنَّهُ عَلِيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ". (12)
- 10- پروردگار همه کس و همه چیز است : "وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ". (13)
- 11- به هر طرف که روی آوریم، به سوی او خواهد بود : "أَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ". (14)
- 12- از همه چیز، حتی از رگ گردن به انسان نزدیکتر است : "تَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ". (15)
- 13- هیچ دیده‌ای او را نبیند و او همه را می‌بیند : "لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ". (16)
- 14- همگان به او نیازمندند : "أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ". (17)
- 15- از وسوسه‌های نفس و از باطن همه آگاه است : "وَ نَعْلَمُ مَا تُوسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ". (18)
- به گفته خواجه کرمانی :

"هم رازق بی‌ریبی و هم خالق بی‌عیب / هم ظاهر پنهانی و هم باطن پیدا مأمور تو از برگ سمن تا به سمندر / مصنوع تو از تحت ثری تا به ثریا توحید تو خواند به سحر مرغ سحرخوان / تسبیح تو گوید به چمن بلبل گویا"

(19)

توحید در کلام امیر مؤمنان (ع) امیر علی بن ابی طالب (ع) زیباترین و شیواترین توصیف از پروردگار متعال را در کلام خویش دارد که بسیاری از آن‌ها در کتاب شریف نهج البلاغه گردآوری شده است. در این جا، تنها به بخشی از یک خطبه آن حضرت، که درباره عظمت خدای سبحان است، اشاره می‌کنیم :

"همه چیز در برابر خدای متعال، خاضع و فروتنند و همه به یاری و قدرت او پا بر جا. او بی نیاز کننده هر مستمند و عزت‌بخش هر خوار و افتاده‌ای است و نیرودهنده هر ناتوان و پناه‌گاه هر بیچاره و ستم‌دیده‌ای است. هر که سخن بگوید، او می‌شنود و هر که سکوت کند، رازهای درونش را می‌داند. آن که زنده است، روزی اش با اوست و هر کسی بمیرد، بازگشتنش به سوی او خواهد بود .

(خدایا) چشمان کسی تو را ندیده تا از تو خبر دهد و تو از قبل بوده‌ای، پیش از آن که مخلوقان از تو سخن گفته و بتوانند تو را توصیف کنند. آفریدگان را به خاطر ترس از تنهایی نیافریدی و آنان را برای سود خویش به کار و انداختی. کسی از قدرت تو نمی‌تواند بگریزد و آن که را بگیری نمی‌تواند از چنگت رهایی یابد. نافرمانی و سرپیچی گناه‌کاران، از عظمت تو نمی‌کاهد و پیروی و فرمانبرداری مطیعان بر ملکت نمی‌افزاید.

آن کس که از قضای تو به خشم آید، نمی‌تواند فرمانت را برگرداند و کسی که از فرمانت روگرداند، از تو بی‌نیاز نمی‌شود." (20)

توحید در شعر سنایی غزنوی

ملکا، ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نرم جز به همان ره که توام راه نمایی همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم / همه توحید تو گویم که به توحید سزایی تو زن و جفت نداری، تو خور و خفت نداری / احد بی‌زن و جفتی، ملک کامروایی نه نیازت به ولادت، نه به فرزندت حاجت / تو جلیل الجبروتی، تو نصیر الأمرای تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی / تو نماینده فضلی، تو سزاوار ثنایی بری از رنج و گدازی، بری از درد و

نیازی / بری از بیم و امیدی، بری از چون و چرایی بری از خوردن و خفتن، بری از شرک و شبیهی / بری از صورت و رنگی، بری از عیب و خطایی نتوان وصف تو گفتن، که تو در فهم ننگی / نتوان شبه تو گفتن، که تو در وهم نیایی بُد این خلق و تو بودی، نبود خلق تو باشی / نه بجنبی، نه بگردی، نه بکاهی، نه فزایی همه عزّی و جلّالی، همه علمی و یقینی / همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بیوشی / همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی أَحَدٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ صَمَدٌ، لیس له ضد لمن الملک تو گویی که مر آن را تو سزایی لب و دندان سنایی همه توحید تو گویند / مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی (21)

مراتب و درجات توحید آن چه تا بدین جا بیان شد، مختصری درباره توحید به طور کلی و اجمالی بود، ولی باید توجه داشت که توحید، دارای مراتب و درجاتی است، که موحد واقعی تا به همه آنها دست‌رسی پیدا نکند، نمی‌تواند به حقیقت توحید برسد و راه کمال و سعادت انسانی را طی کند.

علمای علم کلام، از یک لحاظ، چهار درجه برای توحید بیان کرده‌اند، که عبارتند از :

1 - توحید ذاتی

یعنی شناختن ذات خداوند سبحان به وحدت و یگانگی. به عبارت دیگر یعنی خداوند متعال، حقیقتی است که در وجود خود، به حقیقت دیگر وابسته نیست و به چیزی اتکا ندارد و بالعکس، همه حقیقت‌ها و پدیده‌های جهان هستی به او وابسته بوده و متکی به اراده و خواست او می‌باشند. حکما و فلاسفه از چنین ذاتی به "واجب الوجود" و "علت العلل" تعبیر می‌کنند.

2 - توحید صفاتی

یعنی شناخت یگانگی ذات و صفات خداوند متعال. به این معنا که صفات خدا (اعم از صفات جمالیه و صفات جلالیه) عین ذات اوست و میان ذات و صفات او، هم‌چنین میان صفات او نسبت به یکدیگر، دوگانگی و اختلافی نیست. زیرا اختلاف ذات با صفات و یا اختلاف صفات با یکدیگر، لازمه محدودیت است. همان طوری که در انسان و یا موجودات دیگر عالم آفرینش چنین چیزی ممکن و معمول است. ولیکن در خدای سبحان، چون ذاتش یگانه و وجودش لایتناهی و غیر محدود است، کثرت و ترکیب و یا اختلاف ذات و صفات و یا اختلاف صفات با یکدیگر، قابل تصوّر نیست و از محالات می‌باشد.

3 - توحید افعالی

یعنی شناخت این که جهان هستی با تمامی نظم و نظامش و علت و معلولاتش، کار خداست و هر فعلی بر گرفته از اراده و خواست او می‌باشد. بنابراین، هر کار و یا هر علت و سببی برای پدیده‌ای تصور شود، بی تردید، وابسته به اراده خداست و قائم به خواست وی می‌باشد و هیچ چیزی از خودش استقلال ندارد و هر چیز و هر کاری تابع اراده الهی است

4 - توحید در عبادت

یعنی این معنا، که عبادت، تنها برای خداوند سبحان سزاوار است و از غیر او، بر هیچ چیز و هیچ کسی روا نبوده و حرام می‌باشد.

عبادت از نظر اسلام، دارای درجاتی است که باید درجایی خودش مورد بحث و بررسی قرار گیرد ولی روشن‌ترین و صریح‌ترین مرتبه آن، انجام مراسم تقدیس و تنزیه (مانند نماز و طواف) است که اگر برای غیر خدا انجام شود، مستلزم شرک و خروج از جرگه اهل توحید خواهد بود.

یادآوری

مراتب توحید را از لحاظ دیگر می‌توان به دو بخش تقسیم کرد :

1- توحید نظری. یعنی شناخت خداوند متعال و پی بردن به وجود وصفات او از راه فکر و اندیشه. این بخش شامل توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی می‌گردد.

2- توحید عملی. یعنی درک وحدانیت خداوند متعال در مرحله عمل و انجام کار. این بخش شامل توحید در عبادت می‌گردد. (22)

به هر روی، توحید و اعتقاد به یگانگی پروردگار متعال در جان آدمی و در فطرت پاک هر انسان موجود است و تا زمانی که زنگار گناه و انحراف از مسیر حقیقت، وی را فرا نگیرد، موحد واقعی است و در آن صورت می‌تواند راه تعالی و کمال را به پیماید و به سر منزل تقوی و یقین برسد. به گفته اوحیدی مراغه‌ای :

تا ز توحید نگردی مست ندهد رتبت وصولت دست (23)

شرک، در برابر توحید در برابر توحید، شرک قرار دارد که به معنای شریک قرار دادن برای خدا (چه از لحاظ نظری و چه از لحاظ عملی) است. شرک نیز به مانند توحید درجات و مراتبی دارد که لازم است در جای خودش مورد بررسی قرار گیرد.

پی نوشت ها : 1 - سوره آل عمران، آیه 64.

2- سوره انبیاء، آیه 22

3- سیمای توحید، محمد رضا آدینه وند، ص 28

4- سوره توحید، آیه 1.

5- همان، آیه 2.

6- همان آیه 3

7- همان آیه 4

8- سوره شوری آیه 11

9- سوره انعام آیه 163

10- سوره شوری آیه 12

11- سوره انبیاء، آیه 110

12- سوره حج، آیه 6

13- سوره انعام، آیه 164

14- سوره بقره، آیه 115

15- سوره ق، آیه 16

16- سوره انعام، آیه 103

17- سوره فاطر، آیه 15

18- سوره ق، آیه 16

19- دیوان اشعار خواجه کرمانی

20- نهج البلاغه فيض الاسلام، خطبه 108

21- ديوان اشعار سنائي غزنوي

22- برگرفته از مجموعه آثار شهيد آيت الله مطهري (ره)، ج 2، ص 99

23- ديوان جام جم، اوحدي مراغه‌اي

***** برگرفته از ماهنامه پاسدار اسلام : اسفند 83 و فروردين 84 - شماره 279 و 280